

۱۲۰۰ نفر از وکلا و حقوقدانان عراقی با امضاء یک بیانیه از حضور مشروع سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران در عراق حمایت کردند

متن بیانیه وکلا و حقوقدانان عراقی - با توجه به بیانیه های کنفرانسهای حقوقدانان بین المللی، ژنو (۲۲ ژانویه ۲۰۰۴) و برلین (۱۰ فوریه ۲۰۰۴) و پاریس (۱۰ مارس ۲۰۰۴)، در مورد حقوق اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در عراق - با توجه به نظریه های حقوقی جامع و مستدلی که توسط برجسته ترین کارشناسان بین المللی و عراقی حقوق بین الملل که وضعیت قانونی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مستقر در عراق را تبیین کرده اند منجمله پروفیسور شریف بسینونی و لرد اسلین (عضو مجلس لردهای انگلیس) و پروفیسور ژان ایو دوکارا (فرانسوی) و برجسته ترین حقوقدانان عراق - با استناد به قانون انساندوستانه بین المللی، قوانین جنگ، کنوانسیون لاهه، کنوانسیون پناهندگی و قوانین معتبر و برسمیت شناخته شده عراق ما حقوقدانان ووکلای عراقی اعلام میکنیم:

۱- سازمان مجاهدین خلق ایران همواره مستقل بوده و قرارگاهها و مراکز سازمان مجاهدین خلق تحت حاکمیت خودشان بوده است. این مسئله در بیشتر از یک بیانیه یا اظهار نظر مقامات عراقی و از طریق نحوه برخورد مستقیم اکیپهای بازرسی وابسته به سازمان ملل متحد با سازمان مجاهدین خلق که در گزارش دبیر کل کمیته های بازرسی کننده به شورای امنیت آمده است تاکید گردیده است.

۲- بنا به تعریف قانون پناهندگان سیاسی در عراق به شماره ۵۱ سال ۱۹۷۱ و براساس ماده ۳۴ قانون اساسی عراق مورخ سال ۱۹۷۰ در مورد پناهندگی سیاسی، مجاهدین در عمل از حقوق و تسهیلات حقوق پناهندگان سیاسی در عراق برخوردار بوده اند.

۳- ماده ۱۹ قانون اداره حکومت انتقالی نیز تصریح میکند «هیچ کسی را که مطابق قوانین معتبر عراقی پناهند تلقی میشود نمیتوان بزور به کشوری که از آن فرار کرده است برگرداند.

براساس کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگی سازمان ملل هیچ پناهنده ای را نمیتوان

بقیه در صفحه ۱۹

ادبیات ایران

بقیه از صفحه ۱۷

قتل عام و تجاوز به نوامیس مردم را صادر کرد. او دستور داد در هر محله ای که سربازی از سربازان او کشته شده کسی را زنده نگذارند. کشتار و قتل عام از دروازه دهلی تا «کهاری بولی»، و از «قلعه ارگ» تا «مسجد فتح پوری» ادامه یافت. در این قتل عام نیمی از دهلی طعمه حریق گردید دهها هزار نفر به قتل رسیدند و هزاران زن و دختر هندی مورد تجاوز وحشیانه سربازان نادر قرار گرفتند و یا برای نجات از تجاوز سربازان دست به خودکشی زدند. شمار قربانیان این کشتار را تا دویست و بیست و پنج هزار نفر نیز ذکر کرده اند. شدت وحشیگری و کشتار به حدی بود که تا روزگار ما، در فرهنگ هندیان «تدری کردن»، «نادری کردن» به معنی سلاخی و قتل عام کردن و ترور عمومی بکار می رود.

نادر شاه در شوشتر و در سرکوب طرفداران صفویان کشتار و غارت و هتک نوامیس را از حد گذراند و در سرکوب بختیاربها دستور داد چهار دست و پای علیمردان خان چهار لنگ را قطع کنند و چشمهای او را با کارد از حدقه بیرون آورند. دو سال آخر عمر نادر در گردابهائی از بیرحمی و کشتار سپری شد. در زمینه بی رحمی و سخت کشی - که سرانجام سرنوشت خود او را هم رقم زد - نادرشاه کارنامه ای قطور و تکان دهنده دارد.

سیاست مذهبی نادر شاه

نادرشاه مذهب تسنن داشت. او چون در پی ریشه کن کردن سلسله شیعه مذهب صفوی و حل تضاد مذهبی با دولت عثمانی بود تلاش زیادی کرد تا تشیع را ریشه کن کند نوعی تشیع خاص به عنوان پنجمین نحله مذهبی تسنن به رهبری ششمین امام شیعیان جعفر ابن محمد ایجاد کند ولی موفق نشد. تلاش او از یک سو در میان مردم ایران که چند نسل از شیعه شدن آنها می گذشت منزوی ماند، از سوی دیگر علمای اهل تسنن، این شاخه پنجم تسنن را به رهبری امام صادق را نپذیرفتند. نادر

خوار نادر، چنگیز خان سه ساله و محمد الله خان کوتاهی نکرد و دستور داد تمام زتان حامله نادر را به قتل برسانند. علیشاه در ۲۷ جمادی الاخری سال ۱۱۶۰ هجری مطابق با پنجم ژوئیه سال ۱۷۴۷ میلادی با لقب عادلشاه در مشهد بر تخت سلطنت نشست. سلطنت علیشاه دیری به طول نکشید او در سال ۱۱۶۱ هجری در جنگی که میان او و برادرش ابراهیم شاه حاکم اصفهان رخ داد شکست خورد و به امر برادرش کور گردید. روایت دیگری هست که او را به دست زنان حرم سپردند و زنان حرم او را تکه تکه کردند.

۳ - ابراهیم شاه افشار ۱۰۶۱ - ۱۰۶۲ هجری. ابراهیم شاه پس از پیروزی بر برادرش سعی کرد شاهرخ را از مشهد به نزد خود بکشاند و به قتل برساند ولی شاهرخ فرمان او را نپذیرفت و در مشهد خود را شاه خواند. ابراهیم شاه در سال ۱۱۶۲ هجری پس از جنگهای متوالی در قم توسط هواداران شاهرخ به قتل می رسید محمد متولی آستان قدس دستگیر و در قم کور گردید.

۴ - شاهرخ افشار ۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ هجری. شاهرخ در شش سالگی از طرف نادر شاه به حکمرانی هرات منصوب شد، او پس از کور شدن ابراهیم شاه، علیشاه افشار را به مشهد خواست و او را به دست زنان حرم سپرد و توسط زنان حرم به قتل رساند و خود بر تخت سلطنتی بی رقیب نشست اما متولی آستانه مشهد میرزا سیدمحمد دختر زاده شاه سلیمان صفوی و فرزند یکی از مجتهدان که سلطنت را حق صفویان می دانست به بهانه آن که شاهرخ می خواهد تشیع را از ایران بر اندازد به تحریک و شوراندن جمعی از مردم پرداخت و شاهرخ را دستگیر و کور کرد و خود به نام شاه سلیمان ثانی بر تخت نشست. شاه مردم مشهد دستگیر و کور شد. مردم مشهد دوباره شاهرخ نابینا را بر تخت سلطنت نشاندند. شاهرخ تا سال ۱۲۱۰ هجری زنده بود.

۵ - نادر میرزا افشار ۱۲۱۰ - ۱۲۱۸ هجری. پس از شاهرخ پسرش نادر میرزا جای او را گرفت و تا سال ۱۲۱۸ هجری نامی از سلطنت را در مشهد با خود داشت. در دوران نادر میرزا خزانه آستان قدس، خشتهای طلای مرقد میله های طلای گنبد و بسیاری دیگر از ثروتهای گرد آوری شده در حرم توسط نادر میرزا صرف مخارج و حقوق لشکریان مصادره شد و صرف نگهداری لشکریان گردید. (ادامه دارد)

از جمله برای حل تضاد مذهبی دستور داد تورات و انجیل را به زبان پارسی ترجمه کنند. در دوران او علمای مذهبی از نفوذ و قدرت بر خوردار نبودند و نادر در دشت مغان هنگام تاجگذاری با دستور قتل رئیس مجتهدان چنان رعبی ایجاد کرد که کسی جرئت نکرد در مقابل حرفهای او اعتراض کند با تمام اینها نادر شاه فردی مذهبی بود، طلا کاری درب آستان قدس رضوی مشهد، نصب چهارده قندیل گرانبها در حرم، تامین آب آستان قدس با کشیدن نهری از قریه گلستان مشهد به آستان قدس، تعمیر بقعه شاه چراغ در شیراز و اهدای قندیلی از طلای ناب، فرش کردن حرم علی ابن ابیطالب با قالبهای گرانبها و تذهیب گنبد آن با طلا، تعمیر مزار حسین ابن علی و مفروش کردن آن با قالبهای گرانبها و تقدیم قندیلهای بسیار ارزشمند، تعمیر آرامگاه حافظ، موقوفات بسیار و... از عملکرد مذهبی نادر و نشان دهنده علائق مذهبی اوست.

نادر شاه در مملکت گیری و فرماندهی در میدان جنگ کم نظیر ولی در سیاست مملکت داری ضعیف بود و قساوتها و طمع و مال اندوزی او در اواخر عمر او را مورد نفرت عموم قرار داده بود. دوران او دوران حاکمیت یک دیکتاتوری نظامی با تکیه بر ارتشی بسیار قوی و دویست هزار نفره و خشن و جنگجو از ایلات و عشایر غیر ایرانی بود. مقارن پایان کار نادر، ایران از زاویه اقتصادی، کشاورزی، تجارت و... در ورطه ای از فقر سیاه فرو رفته بود و به گفته یکی از ناظران و سیاحان آن روزگار، نادر، مردم ایران را در زیر بار مالیات چون کرهها لخت و برهنه کرد. نادر در آغاز کار در ضمیر مردم سیمای یک قهرمان را داشت ولی در پایان کار در هیأت یک جلال خونریز و بیرحم در خاک فرو شد.

۲ - علی شاه افشار ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱ هجری. پس از انتشار خبر قتل نادر اردوی او توسط سپاهیان افغان و ازبک غارت شد. پس از این وقایع علی قلیخان افشار برادر زاده نادر که در هرات حکومت می کرد با عجله به مشهد آمد و نخست دستور قتل تمام شاهزادگان از جمله رضا قلی میرزای کور را صادر کرد. او تنها شاهرخ پسر رضاقلی میرزا را زنده گذاشت. علی شاه افشارحتی از قتل دو فرزند خردسال و شیر